

(مقاله پژوهشی)

بی‌اخلاقی علمی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلیدکتر رضا همتی*، سحر کریمی، دکتر بی‌بی عشرت زمانی
گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: 95/4/19، تاریخ پذیرش: 95/7/10)

چکیده

زمینه: ضعف پابندی به اخلاقیات علمی، یکی از مسائل جدی در آموزش عالی می‌باشد. از این روی، هدف از پژوهش حاضر، تبیین میزان بی‌اخلاقی علمی و برخی عوامل مؤثر بر آن در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان انجام می‌باشد.

روش: پژوهش حاضر کاربردی و در زمره پژوهش‌های همبستگی قرار دارد. جامعه پژوهش شامل دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان بود که 290 نفر از آنها با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه خود اظهاری شد. داده‌های تحقیق پس از جمع‌آوری با استفاده از روش‌های آماری مختلفی نظیر مدل مقایسه میانگین‌ها، تحلیل واریانس، ضرایب همبستگی و مدل معادلات ساختاری تحلیل شدند.

یافته‌ها: بیش از دو سوم دانشجویان اظهار داشته‌اند که به هیچ وجه در طول مدت تحصیل خود مرتکب هیچ یک از موارد بی‌اخلاقی علمی مطرح در پژوهش حاضر نشده‌اند و بیشترین فراوانی، به موارد خفیف بی‌اخلاقی علمی می‌شود تا موارد شدید. نتایج تحلیل‌های بیشتر نیز نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل، متغیرهای نگرش به بازدارندگی اساتید و نگرش منفی به تقلب، اثر مستقیم بر بی‌اخلاقی علمی دارند.

نتیجه‌گیری: عدم اهتمام جدی اساتید به اخلاقیات علمی از یک طرف و نگرش مثبت دانشجویان به بی‌اخلاقی علمی از عوامل مهم زمینه ساز ارتکاب دانشجویان به این گونه رفتارهای می‌باشند. در کنار سایر اقدامات از جمله تدوین قوانین و سیاست‌های بازدارنده، توجه به آموزش و افزایش آگاهی کنشگران علمی اولویت بیشتری دارد.

کلید واژگان: بی‌اخلاقی علمی، نگرش به تقلب، فرهنگ صداقت علمی، بازدارندگی، بیگانگی تحصیلی.

سر آغاز

بی‌اخلاقی علمی، کیفیت آموزشی سازمان‌های علمی را تضعیف کرده، قابلیت‌های فارغ‌التحصیلان را زیر سوال برده و سد راه اهداف عمده سیستم آموزشی (از جمله آموزش شهروندانی مسئول و آبرومند) می‌باشد و سرانجام اثرات نامطلوبی برای آموزش عالی دارد (4 و 5). دانشجویان درگیر در بی‌اخلاقی علمی بعید است که بتوانند مهارت‌های لازم برای زندگی حرفه‌ای آینده خود را کسب کنند و اعطای مدرک به این افراد آسیب‌هایی جدی در سطوح مختلف در پی دارد. در واقع ورود متخصصین بی‌کفایت به بازار کار ممکن است باعث به وجود آمدن مشکلات اجتماعی متعددی در جامعه شود (7). از آنجا که

امروزه بی‌اخلاقی علمی¹ (عدم صداقت علمی)² و سرقت علمی² یکی از موضوعات جنجال برانگیز در آموزش عالی می‌باشد به نحوی که به یکی از مباحث مهم دانشگاهی و نگرانی جدی در آموزش عالی تبدیل شده است (1-5). بی‌اخلاقی علمی، یک مسئله پیچیده اخلاقی است (6). افزایش توجه به رفتار اخلاقی به طور کلی و سوء رفتار به ویژه در سال‌های اخیر، به انتشار رسوایی‌های اخلاقی در دانشگاه‌ها منجر شده است. شواهد تجربی نشان از افزایش وقوع این پدیده در سال‌های اخیر می‌دهد (4). با این حال به نظر می‌رسد که دانشگاه‌ها درک کاملی از این مسئله ندارند (5).

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: r.hemati@tr.ui.ac.ir

این مساله می‌تواند محدودیت‌های گسترده‌ای را در برابر شکوفایی استعدادها و فردی و نهادی ایجاد کند، نباید با ان همانند موارد ناچیز و کم اهمیت رفتارهای انحرافی برخورد شود. دستبرد علمی اگر امری متداول و عادی شود، امنیت علمی را زیر سوال خواهد برد و ویرانی را در همه حوزه‌های اجتماعی به دنبال خواهد داشت (1). بنابراین هر نوع چشم پوشی از این عمل می‌تواند نتایج هولناک در پی داشته باشد (8).

وقتی در مورد بی‌اخلاقی علمی بحث می‌شود، اولین چیزی که فکر اساتید و دانشجویان متوجه آن می‌شود، تقلب در آزمون است. اما، دامنه بی‌اخلاقی علمی فراتر از تقلب در آزمون است. منظور از بی‌اخلاقی علمی علمی طیف وسیعی از رفتارهای غیراخلاقی است که برخی از دانشجویان [و اساتید] به صورت عمد، آگاهانه و بی‌پروا در حین انجام کارهای علمی خود مرتکب می‌شوند و تخطی از استانداردهای پذیرفته شده محسوب می‌شود مانند جعل⁴، سرقت علمی، تحریف داده‌ها⁵، اضافه کردن اسم در اثری که توسط دیگران انجام شده و چاپ مقالات گرفته شده از اینترنت به نام خود و شیوه‌های دیگر (9-11). البته باید توجه نمود که اصطلاح عدم صداقت علمی، سوء رفتار علمی، و تقلب در ادبیات این موضوع مفاهیمی هستند که اغلب به جای یکدیگر به کار برده می‌شوند و فضای مفهومی آنها با همدیگر همپوشانی دارد (12).

شیوع بالای تقلب⁶، هشدار برای جامعه است و گویای آن است که روند تبعیت از قانون دچار مشکل شده است (13). برآوردهای متفاوتی از تعداد دانشجویانی که درگیر در بی‌اخلاقی علمی می‌شوند، وجود دارد. این تفاوت تا اندازه‌ای از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که پژوهشگران بر انواع مختلف بی‌اخلاقی علمی تمرکز کرده‌اند و از روش‌های متفاوتی برای ارزیابی فراوانی آن استفاده کرده‌اند (14). اندازه‌گیری شیوع بی‌اخلاقی علمی نیز دشوار است (15). به طور کلی در مورد شیوع این پدیده، دو دیدگاه وجود دارد: سبب فاسد و نوک کوه یخ. بیشتر دانشمندان به دیدگاه سبب فاسد باور دارند. با این حال نمی‌توان در مورد میزان دقت این دیدگاه در ارتباط با تخلف‌های

علمی قضاوت کرد. از نظر صاحب‌نظران به طور متوسط دانشجویان تحصیلات تکمیلی 2 تا 5 مورد از بی‌اخلاقی علمی دانشجویان همکار خود یا اساتید را مشاهده کرده‌اند (16). نرخ تقلب در سال 1952، 38 درصد و در سال 1960، 49 درصد گزارش شده است. نرخ معمول تقلب بین 40 و 60 درصد برآورد شده است. همچنین 74 درصد از دانشجویان در تقلب درگیر می‌شوند. حتی به تازگی، محققان این نرخ را در میان دانشجویان بالای 90 درصد گزارش کرده‌اند. انواع تقلب که دانشجویان در آن بیشتر درگیرند و شایع‌تر می‌باشد، تقلب در تکالیف (40/9 درصد)، تقلب در امتحانات (43/1 درصد) و سرقت علمی از کتاب‌ها و مقالات (47 درصد) می‌باشد (14).

پی‌بردن به چنین مسأله‌ای سبب شد تا پژوهشگران به شناسایی عوامل ایجاد کننده و یا تشدید کننده این مسأله در نظام دانشگاهی بپردازند. در ایران پژوهش‌های مختلفی به‌طور عمده با تأکید بر تقلب در امتحانات و سرقت علمی صورت گرفته است (8، 11، 17-22). در سایر کشورها نیز پژوهش‌های مختلفی در خصوص بی‌اخلاقی علمی صورت گرفته است. برای مثال نتایج پژوهشی در چهار دانشگاه استرالیا نشان داد که 41 درصد از دانشجویان مرتکب تقلب، و 81 درصد مرتکب سرقت علمی شده‌اند، در حالی که فقط 25 درصد از آنها در فعالیت‌های مربوط به جعل درگیر بوده‌اند (23). نتایج پژوهش دیگر که به صورت مقایسه‌ای بین سه دانشگاه خصوصی لبنان و هفت دانشگاه بزرگ در ایالات متحده صورت گرفته بود نشان داد که بی‌اخلاقی علمی رابطه مثبت با درک رفتار همسالان و رابطه معکوس با گزارش، درک و پذیرش سیاست‌های بی‌اخلاقی و درک مجازات برای نقض این سیاست‌ها دارد. درحالی‌که تنها 18 درصد از دانشجویان آمریکایی گزارش کردند که دانشجویانی را مشاهده کرده‌اند که در امتحان بیشتر از چند بار تقلب کرده باشند اما نیمی از دانشجویان لبنانی گزارش کردند که چنین پدیده‌ای را مشاهده کرده‌اند (24). پژوهش دیگر بر روی دانشجویان پزشکی سال اول دانشکده پزشکی دانشگاه چالونگ کورن نشان داد که دانشجویان سوء رفتارهایی جدی

نظریه‌ها و رویکردها در سطح خرد، میانه و کلان تبیینی از ارتکاب به رفتارهای سوء علمی ارائه داده‌اند با اینحال در این پژوهش با توجه به امکانات و محدودیت‌های موجود، تنها به آزمون توان تبیینی برخی از نظریه‌ها و متغیرهای مستخرج از آنها پرداخته شده است. با توجه به این توضیحات و تأکید بر این مسأله که در پژوهش‌های داخل کشور بیشتر به تقلب تأکید شده و سایر مصادیق بی‌اخلاقی علمی توجه کافی نشده است، هدف از پژوهش حاضر بررسی میزان بی‌اخلاقی علمی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان و برخی از متغیرهای جامعه شناختی (شامل فرهنگ صداقت علمی و تلقی از بازندارندگی) و روان شناختی (انگیزش تحصیلی، احساس بیگانگی تحصیلی، احساس خودکارآمدی تحصیلی، نگرش به فرهنگ تقلب) تبیین کننده آن می‌باشد.

روش

پژوهش حاضر کاربردی و در زمرل پژوهش‌های توصیفی-همبستگی قرار دارد. جامعه آماری پژوهش 5909 نفر از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی 1395-1394 می‌باشند. حجم نمونه با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power، و مدنظر قرار دادن شش متغیر مستقل، درصد خطای 0/05، توان بالاتر از 0/86 و حجم اثر 0/05، تعداد 300 دانشجو برآورد گردید که در تحلیل نهایی داده‌های مربوط به 290 نفر (122 دانشجوی پسر و 168 دانشجوی دختر) مورد تحلیل قرار گرفت. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر از نوع طبقه‌ای متناسب می‌باشد. از لحاظ سن بیشتر پاسخگویان (41 درصد) در بازه سنی 25 تا 27 سال و کمترین تعداد (7/6 درصد) در بازه سنی 31 تا 33 سال قرار داشتند. از لحاظ جنسیت نیز حدود 58 درصد از پاسخگویان را دانشجویان دختر و 42 درصد را دانشجویان پسر تشکیل می‌دهد. بیشترین تعداد پاسخگویان از رشته‌های نرم محض (مثل ادبیات، فلسفه، جامعه‌شناسی، تاریخ، تربیت بدنی) و سخت کاربردی (مهندسی برق، مهندسی کامپیوتر، سایر

نظیر ارائه گواهی پزشکی جعلی و رشوه دادن به استاد را به ندرت انجام داده‌اند. در مقابل، بسیاری از دانشجویان انواع سرقت علمی کم تر جدی مانند جعل نام دوستان در فهرست حضور در کلاس، یا مشاهده پاسخ آزمون از دیگر دوستان را بیشتر مرتکب شده‌اند (25). نتایج پژوهشی که بر روی نمونه‌ای از دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه اقتصاد و بازرگانی پرتغال صورت گرفت حاکی از ارتباط قوی میان گرایش دانشجویان به برداشتن و چسباندن⁷ و نزدیک شدن به پایان دوره تحصیلی آن‌ها بود. در میان دانشجویان با عملکرد تحصیلی بهتر (معدل 16 و بالاتر) گرایش به کپی کردن 37 درصد و در میان همتایانشان با معدل (10 تا 12) 64/8 درصد می‌باشد. (7) یا دوباره نتایج پژوهش بر روی 1277 دانشجوی کارشناسی از دو دانشگاه ملی پرتغال نشان داد که احتمال تقلب کردن زمانی که هدف از آن کمک نمودن به دوست باشد یا زمانی که دوره تحصیلی دشوار بوده و فشار برای گرفتن نمره بیشتر است، افزایش می‌یابد (4) نتایج پژوهشی در مورد بی‌اخلاقی علمی دانشجویان کارشناسی در دانشگاه آدیس آبابا و جیما نشان داد که نزدیک به 96/4 درصد از دانشجویان اظهار کردند که حداقل یک بار مرتکب بی‌اخلاقی علمی شده‌اند. عدم تعهد برای یادگیری، میزان انگیزه، و عدم اعتماد به نفس در دانشگاه برخی از عواملی هستند که تأثیر منفی بر عملکرد دانشجویان و رفتار صادقانه آن‌ها در دانشگاه دارد (26). سرانجام پژوهش دیگری در کانادا حاکی از آن است که بیش از نیمی از پاسخ دهندگان گزارش داده‌اند که در زمان تحصیل در دانشگاه مرتکب تقلب شده‌اند و دانشکده، استراتژی یادگیری، ادراک از رفتار همتایان و درخواست کمک از طرف دوستان، سهم ویژه‌ای در پیش‌بینی بی‌اخلاقی علمی دارند (27).

نظریه‌های مختلفی در تبیین علل ارتکاب به بی‌اخلاقی علمی مطرح شده که برخی از آنها عبارتند از نظریه آسیب شناسی روانی، نظریه آنومی⁸، نظریه بیگانگی⁹، نظریه خنثی سازی¹⁰، نظریه انتخاب عقلانی، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه بازدارندگی و کنترل اجتماعی، نظریه فشار عمومی، نظریه انگیزش، نظریه جو سازمانی، فرهنگ تقلب. هر یک از این

متغیر مستقل بعدی بازدارندگی¹³ است که عبارتست از محدودیت‌ها و قوانینی است که ممکن است انگیزه مجرمانه دانشجویان را با تغییر در شیوه اندیشه آنها از طریق تجسم پیامدهای سوء انجام آن انگیزه کاهش دهد. برای سنجش نقش بازدارندگی اساتید و دانشگاه از 10 گویه استفاده شده است (38).
متغیر بعدی، نگرش به تقلب¹⁴ به معنای ارزیابی مثبت یا منفی دانشجویان از هر یک از مصادیق بی‌اخلاقی علمی می‌باشد به طوری که می‌توان براساس این نگرش، اعمال یا رفتارهای علمی آتی آنها را به طور نسبی پیش بینی کرد. برای سنجش این متغیر از 13 گویه استفاده شده است. بیشتر این گویه‌ها از پژوهش دیگری الهام گرفته شده است (28).

فرهنگ صداقت علمی¹⁵ متغیری است که می‌توان آن را به عنوان باورها، نگرش‌ها و رفتارهای مثبت و منفی در خصوص همه اشکال صداقت علمی تعریف کرد. این فرهنگ می‌تواند در سطح سیاست گذاری یا خرده فرهنگ‌های اساتید، دانشجویان و هم‌تایان جاری و ساری باشد. منظور از فرهنگ صداقت علمی در این پژوهش میانگین نمره‌ای است که از پاسخ‌های آزمودنی به گویه‌های مقیاسی است که با جرح و تعدیل از پژوهش دیگری طراحی شده است (39).

برای اعتبار مقیاس‌ها، از روش اعتبار محتوا و همچنین اعتبار عاملی استفاده گردید. جدول شماره یک برخی از شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل عاملی متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. پایایی پرسشنامه نیز بر اساس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید و تمامی مقیاس‌ها (خودکارآمدی تحصیلی 0/83، بازدارندگی 0/84، نگرش به تقلب 0/85، فرهنگ صداقت علمی 0/92، عدم صداقت علمی 0/91، بیگانگی تحصیلی 0/72، انگیزش تحصیلی (درونی 0/70)، بیرونی (0/67)، بی‌انگیزه (0/83) از پایایی قابل قبول و بالایی برخوردار بودند

مهندسی‌ها) می‌باشند و این دو گروه بیش از 65 درصد از نمونه آماری را به خود اختصاص داده است. از طرف دیگر کمترین تعداد پاسخگویان به رشته‌های نرم کاربردی (مثل مشاوره و راهنمایی، علوم تربیتی، اقتصاد) و سخت محض (مثل آمار، ریاضی، زمین شناسی، زیست شناسی) تعلق دارند. حدود سه چهارم از پاسخگویان دانشجوی کارشناسی ارشد و بقیه دانشجویان دکتری بودند. سرانجام 68.3 درصد پاسخگویان ورودی سال‌های 1393 و 1392 و بقیه ورودی سال‌های 1391 و 1394 می‌باشند.

ابزارهای اندازه گیری در تحقیق حاضر عبارتند از: برای اندازه گیری متغیر وابسته پژوهش، بی‌اخلاقی علمی (عدم صداقت علمی)، از 31 گویه مستخرج از پژوهش‌ها و مقیاس‌های شناخته شده در این حوزه استفاده شده است (12)، 25، 27-29).

برای سنجش متغیر خودکارآمدی تحصیلی¹¹، به عنوان متغیر مستقل که نشان دهنده ترکیبی از نیاز به موفقیت، اعتماد به نفس و قضاوت درباره توانایی‌های خود برای رسیدن به یک هدف می‌باشد (30)، از 8 گویه استفاده شده است. این گویه‌ها از پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی استخراج و تعدیل شده است (31).

متغیر مستقل دوم یعنی انگیزش تحصیلی¹² عبارت است از آن دسته از متغیرها یا منابعی که جهت دهنده و برانگیزاننده فعالیت‌های دانشجویان است (32). برای سنجش این متغیر، با وام گیری از پژوهش دیگری 10 گویه در سه بعد انگیزش درونی، بیرونی و فقدان انگیزش طراحی شد (33).

متغیر بیگانگی تحصیلی که به صورت جدا افتادگی ذهنی یا رفتاری فرد از یک گروه تحصیلی که می‌باید در آن عضو باشد یا از یک فعالیت آموزشی که می‌باید مانند بقیه گروه آن را انجام دهد تعریف می‌شود (34). با استفاده از 19 گویه مورد سنجش قرار گرفت. بیشتر این گویه‌ها از مقیاس‌های شناخته شده در این حوزه استخراج شده است (35، 36، 37). این مقیاس شامل پنج بعد: بی‌قدرتی، بی‌هنجاری، بی‌معنایی، انزوای اجتماعی و بیگانگی از خود می‌باشد.

جدول 1: برخی از شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل عاملی متغیرهای مستقل

شاخص‌ها متغیرها	نیکی‌ی برآزش (GFI)	برآزش تطبیقی (CFI)	برآزش تطبیقی مقتصد (PCFI)	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)
خودکارامدی تحصیلی	0/95	0/98	0/32	0/76
انگیزش تحصیلی	0/98	0/98	0/52	0/047
بیگانگی تحصیلی	0/98	0/99	0/50	0/27
نگرش به تقلب	0/98	0/99	0/46	0/04
بازدارندگی	0/96	0/94	0/58	0/08
فرهنگ صداقت علمی	0/98	0/99	0/40	0/79

مرتکب شده‌اند. بیشترین فراوانی مربوط به موارد خفیف بی‌اخلاقی علمی نظیر اجازه دادن به دیگران برای نگاه کردن به برگه امتحان و نگاه کردن به برگه امتحانی دانشجویان دیگر می‌باشد و کمترین موارد فراوانی به موارد شدید بی‌اخلاقی علمی یعنی خرید مقاله و ارائه آن به‌عنوان کار شخصی خود راجع بود. به‌طور کلی میانگین حاصله نیز نشان می‌دهد که میزان ارتکاب به موارد سوء رفتار علمی در میان اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان مورد بررسی، در حد نازلی قرار دارد به‌طوری‌که میانگین بدست آمده (0/46) با توجه به نمره‌گذاری گویه‌ها به‌صورت (0 تا 4)، به‌طور معناداری پایین‌تر از میانگین فرضی 2 می‌باشد.

برای تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش‌های آماری توصیفی (درصد، فراوانی، میانگین، میانه، انحراف معیار، دامنه) و استنباطی (مقایسه میانگین‌ها، تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون و مدل معادلات ساختاری) استفاده شده است.

یافته‌ها

نتایج جدول 2 نشان می‌دهد که به‌طور کلی حدود 70 درصد از دانشجویان اظهار داشته‌اند که در طول مدت تحصیل خود مرتکب هیچ یک از موارد بی‌اخلاقی علمی نشده‌اند، حدود 20 درصد 1 تا 3 بار، حدود 5 درصد 4 تا 6 بار، حدود 2 درصد 7 تا 9 بار و حدود 4 درصد بیش از 10 بار هر یک از موارد ذیل را

جدول 2: توصیف فراوانی متغیر بی‌اخلاقی علمی

میانگین	بیش از 10 بار	7 تا 9 بار	4 تا 6 بار	1 تا 3 بار	اصلاً	گویه‌ها
1/9	26/9	7/2	11/1	33/1	18/7	اجازه دادن به دیگران برای نگاه کردن به برگه امتحان
0/21	0/7	0/3	1	17/7	80/3	ارائه گواهی پزشکی جعلی به خاطر عدم آمادگی در امتحان
0/21	0/3	0/7	1/6	16/7	80/7	ارائه مقاله مشابه به دو استاد
0/68	8/9	1/3	5/9	22	62	استفاده از برگه تقلب در امتحان به صورت دزدکی
0/62	3/9	1/6	6/9	31/5	56/1	استفاده از مطالب بدون دادن ارجاع
0/71	4/3	3	7/5	32/8	52/5	استفاده از نقل قول بدون دادن ارجاع مناسب
0/31	1/6	1/6	2/6	19/7	74/4	اغراق در مشکلات شخصی برای استاد به امید نمره بیشتر
0/44	3	1/3	4/9	22/6	68/2	افزایش فونت برای بیشتر به نظر رسیدن حجم مقاله
0/25	1	1	2	17	79	آوردن بهانه دروغین برای عدم شرکت در یک امتحان
0/22	1/3	1	3	12/5	82/3	تعریف اغراق آمیز در مورد استاد برای گرفتن نمره بالاتر
0/49	2/6	1/6	4/3	29/2	62/3	تعبیر دادن یافته‌های تحقیق به صورتی که مناسب‌تر به نظر برسد
0/34	2/3	1/3	3/3	48/4	74/8	تکمیل کردن برگه امتحان برای دانشجویان دیگر
0/11	0/3	1	2	5/9	90/8	خرید مقاله و ارائه آن به عنوان کار شخصی خود
0/13	0/3	0/7	2/3	8/2	88/5	امتحان دادن به جای دانشجویی دیگر
0/26	2/3	1/6	1/6	11/5	83	سرزدن به استاد بعد از امتحان برای تبعیض قائل شدن در نمره دهی

0/88	8/5	2/3	9/5	31/5	48/2	سوال پرسیدن از دانشجویان دیگر در طول امتحان
0/49	2	2/9	5/9	24/9	64/5	عقب انداختن تحویل مقاله انجام شده به بهانه‌های کذایی
0/32	1/3	2/6	3/3	15/1	77/7	عوض کردن برگه‌های امتحان با کسی دیگر در طول امتحان
0/08	0/7	0/7	0/7	4/6	93/8	فرستادن شخص دیگری برای امتحان به جای خود
0/33	2/3	1/6	4/3	14/8	77	کپی کردن تحقیق دانشجویان دیگر و ارائه آن به عنوان
0/67	3/3	4/9	7/5	27/5	56/7	گرفتن جواب سوالات از کسی که قبلاً امتحان داده است
1/12	12/5	6/6	8/9	28/2	43/9	نگاه کردن به برگه امتحانی دانشجویان دیگر
0/73	5/2	2/6	8/5	33/1	50/5	نوشتن متنی از وب سایت‌ها بدون ذکر آن در قسمت منابع
0/61	4/6	3/6	6/2	25/2	60/3	نوشتن مطالبی از روی کتاب بدون ذکر منبع آن
0/34	2/3	2/3	3/3	16/1	76/1	نوشتن مقاله برای دانشجویان دیگر
0/65	3/6	3/6	9/2	26/6	57	استفاده از منابع و مآخذ متعدد در یک مقاله برای علمی تر جلوه دادن آن
0/34	2/6	2/3	3/3	19	73/8	نوشتن یافته‌های تحقیق بدون انجام دادن آن‌ها
0/36	2/3	1/3	3	21	72/5	همکاری کم در یک کار گروهی
0/16	1	1/3	2	8/5	87/2	نوشتن مطالبی از خود و ارجاع آن به یک منبع معتبر یا
0/23	1/3	1/6	2/3	12/5	82/3	دستکاری کردن مطالب معتبر براساس میل شخصی
0/20	1/3	2/6	1/3	7/5	87/2	انجام تمام یا بخشی از پایان نامه توسط شخص یا

رشته تحصیلی خود اطمینانی ندارند و چندان نمی‌توانند از پس امورات مربوط به رشته تخصصی خود بیاورند (حدود 80 درصد) به همین خاطر آتیه روشنی برای خود متصور نیستند (حدود 80 درصد). به نظر بیشتر دانشجویان فرهنگ صداقت علمی در میان اساتید و دانشجویان چندان قوی نیست. بیشتر دانشجویان بر این باورند که فرهنگ صداقت علمی و پایبندی به موازین اخلاق علمی تا حدی در دانشگاه رعایت می‌شود و اساتید تا حدی در این خصوص نگرانی دارند و تا حدی دانشجویان را به پایبندی به صداقت علمی تشویق می‌کنند. خود دانشجویان نیز پایبندی زیادی به صداقت علمی ندارند و تا حد ضعیفی همدیگر را به رعایت صداقت علمی تشویق می‌کنند.

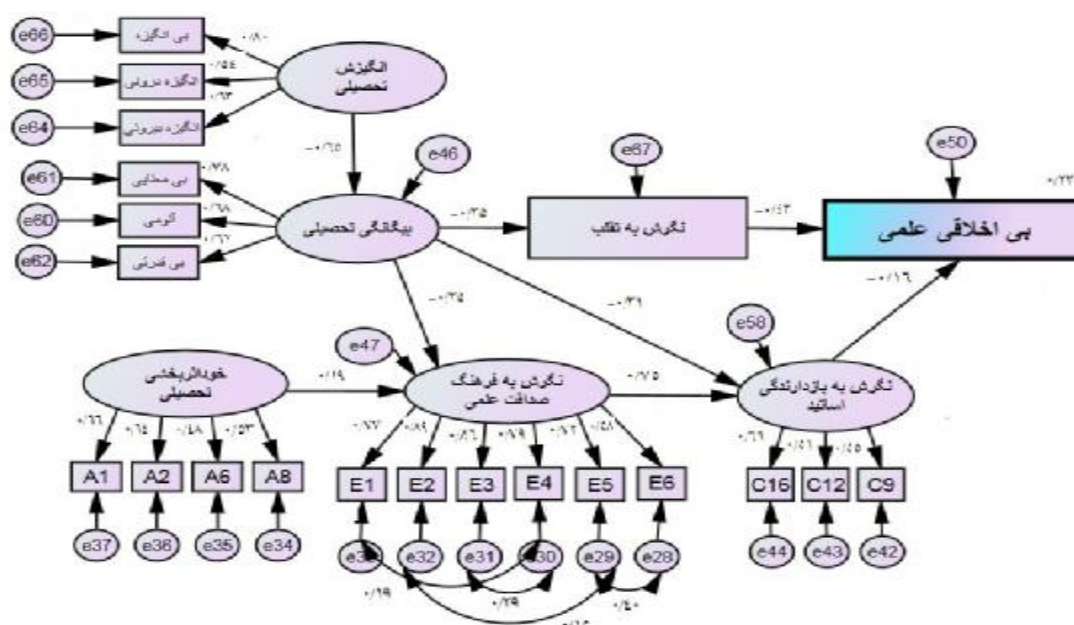
جدول 3: آماره‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

دامنه	انحراف معیار	میانگین	میانگین	گویه‌ها
3	3	0/58	3	احساس بیگانگی تحصیلی
3	0/6	4	3/89	انگیزش تحصیلی
3/25	0/59	2/6	2/6	بازدارندگی
3	0/6	3/4	3/35	نگرش منفی به تقلب
3/75	0/63	2	2/12	احساس خودکارآمدی تحصیلی
4	0/75	2/8	2/8	فرهنگ صداقت علمی
1/94	0/40	0/35	0/47	بی‌اخلاقی علمی

نتایج توصیفی نشان می‌دهد میزان بیگانگی دانشجویان در حد متوسط قرار دارد و چندان زیاد نیست. همچنین دانشجویان در مجموع انگیزش تحصیلی بالایی داشته‌اند. حدود 60 درصد از آنها اظهار داشته‌اند که انگیزه و هدف مشخصی از آمدن به دانشگاه دارند. همچنین انگیزه بیرونی قوی داشته و 74 درصد بر این باورند که تحصیلات دانشگاهی آنها را برای شغل آینده و درآمد و منزلت بالاتر آماده می‌سازد. از نظر دانشجویان میزان بازدارندگی اساتید در برابر سوء رفتار علمی متوسط رو به پایین است. به عبارت دیگر از نظر یک سوم از دانشجویان، اساتیدشان پایبندی ضعیفی به موازین علمی دارند و توجه چندانی به تکالیف دانشجویان ندارند. و بیش از 50 درصد از دانشجویان اظهار کرده‌اند که اساتید دغدغه چندانی در خصوص عواقب سوء رفتار علمی دانشجویان ندارند. بیشتر دانشجویان نگرش منفی به تقلب دارند به طوری که بیش از 70 درصد بر این باورند که تقلب در کل کار درستی نیست، با این حال 44 درصد با این موضوع موافق بودند که در صورت درخواست تقلب به آن پاسخ مثبت می‌دهند و 50 درصد گفته‌اند که گاهی وسوسه می‌شوند تقلب کنند. در ارتباط با خودکارآمدی تحصیلی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویان به‌طور کلی خودکارآمدی تحصیلی به نسبت پایینی دارند به طوری که حدود 90 درصد از دانشجویان اظهار داشته‌اند که به توانایی خود برای انجام کارهای علمی

احساس بازدارندگی، نگرش منفی به تقلب، نگرش به فرهنگ صداقت و ارتکاب به سوء رفتار علمی همبستگی منفی وجود دارد. نتایج تحلیل‌های چند متغیری با استفاده از مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقل تنها دو متغیر «نگرش منفی به تقلب» و «نگرش دانشجویان به بازدارندگی اساتید» تأثیر مستقیم معنی داری بر بی‌اخلاقی علمی دارند و بقیه متغیرها به طور غیرمستقیم بر بی‌اخلاقی علمی گذاشته اند و در مجموع این متغیرها توانسته اند 23 درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند.

نتایج تحلیل‌های دو متغیری با استفاده از آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که میزان ارتکاب دانشجویان پسر به سوء رفتارهای علمی به طور معناداری بیشتر از دختران و میانگین سوء رفتار علمی دانشجویان ارشد بالاتر از دانشجویان دکتری می‌باشد. با اینحال بین سن، سال ورود، فرهنگ رشته‌ای و بی‌اخلاقی علمی تفاوت یا رابطه معناداری مشاهده نگردید. در مورد همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش با متغیر وابسته نتایج نشان می‌دهد که احساس بیگانگی تحصیلی و احساس خودکارآمدی تحصیلی همبستگی مثبت و انگیزش تحصیلی،



نگاره 1: مدل معادله ساختاری اثر متغیرهای مستقل بر بی‌اخلاقی علمی

E-1	بازبینی می‌کنند، احساس نگرانی می‌کنم.
E-2	تا چه اندازه رعایت فرهنگ صداقت علمی و پایبندی به موازین اخلاق علمی و پژوهشی در دانشگاه می‌شود.
E-3	تا چه اندازه اساتید درباره صداقت علمی و پایبندی به موازین اخلاق علمی و پژوهشی دغدغه خاطر و نگرانی دارند؟
E-4	تا چه اندازه اساتید، مشوق دانشجویان برای پایبندی به صداقت علمی هستند؟
E-5	تا چه اندازه اساتید خود را موظف به پایبندی به صداقت علمی می‌دانند؟
E-6	تا چه اندازه دانشجویان به صداقت علمی و پایبندی به موازین اخلاق علمی و پژوهشی اهمیت می‌دهند.
E-6	تا چه اندازه دانشجویان همدیگر را به رعایت صداقت علمی

جدول 4: مشخصات علایم به کار رفته در نگاره

شماره 1	
شماره	گویه
A-1	به توانایی‌های خودم در مورد انجام کارهای علمی مربوط به رشته تخصصی خود اطمینان دارم.
A-2	رشته و گرایش من مستلزم انجام کارهایی است که به خوبی نمی‌توانم از عهده آن بایم.
A-6	به دلیل عدم داشتن توانایی و مهارت‌های علمی لازم در این رشته، آینده روشنی را برای خودم تصور نمی‌کنم.
A-8	هنگامی که اساتید کارنوشت‌ها و پروژه‌های درسی ام را بررسی و

پدیده‌ای «همه جا حاضر» یا «اپیدمی» توصیف شده است (14)، 40 و 41). اگر چه گزارش‌های علمی مربوط به بی‌اخلاقی علمی علمی بیش از 60 سال است که وجود دارد اما تلاش‌های تحقیقاتی منسجم، تنها در طول 20 سال گذشته شکل گرفته است. این افزایش علاقه ناشی از این واقعیت می‌باشد که امروزه بی‌اخلاقی علمی به یک مسئله عمده در آموزش عالی تبدیل شده است (42). جدیدترین مطالعات نشان می‌دهد که تعداد دانشجویانی که مرتکب تقلب شده اند در طول دهه گذشته افزایش یافته است (4). هدف از پژوهش حاضر بررسی و آزمون برخی متغیرهای روان شناختی و جامعه شناختی و زمینه‌ای مؤثر بر ارتکاب به بی‌اخلاقی علمی بود. در این راستا نتایج حاکی از آنست که بین سن و ارتکاب به بی‌اخلاقی علمی رابطه وجود ندارد، این در حالی است که نتایج پژوهش‌های دیگر موید آنست که سوءرفتار علمی در دانشجویان جوانتر بیشتر از دانشجویان بزرگ‌تر رخ می‌دهد (4، 6، 14، 27، 43). با این حال نتایج پژوهش دیگری همسو با نتایج پژوهش حاضر است (26). در ارتباط با مقطع تحصیلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان بی‌اخلاقی علمی در میان دانشجویان کارشناسی ارشد در مقایسه با دانشجویان دکتری بیشتر است که این یافته همسو با نتایج پژوهش دیگر در این زمینه می‌باشد (7، 20). می‌توان ادعا کرد که با بالاتر رفتن مقطع تحصیلی، نوعی تعهد به صداقت علمی در دانشجویان شکل می‌گیرد و انتظارات دانشجویان از خودشان بالاتر می‌رود. همچنین می‌توان گفت انتظارات اساتید از دانشجویان مقطع دکتری بیشتر از دانشجویان کارشناسی ارشد می‌باشد و همین باعث توجه بیشتر آنها به صداقت علمی می‌شود. علاوه بر این، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر مرتکب بی‌اخلاقی علمی می‌شوند. این یافته با بسیاری از پژوهش‌هایی که پیش از این در این زمینه انجام شده همسو می‌باشد (4، 6، 14، 11 و 43). پژوهشگران دلیل این امر را به جامعه‌پذیری متفاوت دختران و پسران در طول دوران زندگی نسبت داده اند. همچنین

C-9	تشویق می‌کنند. تکالیف و مقالات دانشجویان به دقت و جدیت توسط اساتید مطالعه می‌شود.
C-12	اساتید فقط از دانشجویان کار می‌خواهند و به چگونگی انجام دادن و محتوای آن کار اهمیت زیادی نمی‌دهند.
C-16	اساتید نگرانی زیادی در خصوص عواقب ناشی از سرقت علمی دانشجویان برای نظام آموزشی و خود دانشجویان دارند.

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با مدنظر قرار دادن دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین شده توسط داده‌های پژوهش تا حد زیادی حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها با مدل برقرار است هر چند که در سطح عالی نمی‌باشد.

جدول 5: شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری

شاخص‌ها	دامنه قابل قبول	برآورد
شاخص نیکویی برازش	0/90-1	0/90
مطلق شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	0/90-1	0/85
شاخص برازش تطبیقی	0/90-1	0/90
تطبیقی شاخص توکر - لوپس	0/90-1	0/88
شاخص برازش هنجار شده مقتصد	0/50-1	0/77
مقتصد شاخص برازش تطبیقی مقتصد	0/50-1	0/71
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	0 - 0/08	0/065

بحث

بی‌اخلاقی علمی علمی پدیده جدیدی نیست و ادبیات گسترده‌ای در مورد آن وجود دارد. در ظاهر سوء رفتار علمی همیشه با ما بوده است و در ادبیات آموزش عالی به عنوان

فرهنگ صداقت علمی می‌توان گفت که باور به وجود فرهنگ صداقت در دانشگاه، از طریق باور به بازدارندگی اساتید، بر سوء رفتار علمی تأثیر غیرمستقیم دارد، در حالیکه برخی پژوهش‌ها تأثیر مستقیم این دو متغیر را تایید کرده اند (43).

همچون هر پژوهش دیگری، پژوهش حاضر نیز از محدودیت‌هایی رنج می‌برد که شایسته است تفسیر و تحلیل یافته‌ها با در نظر گرفتن این محدودیت‌ها صورت گیرد. نخست اینکه، دامنه رفتارهای مربوط به بی‌اخلاقی علمی بسیار گسترده است ولی با توجه به محدودیت‌های ناظر بر پژوهش‌های دانشگاهی و عدم حمایت مالی، تنها 31 مورد از مواردی انتخاب شدند که به نظر نگارندگان اهمیت بیشتری داشتند، این گزینش ممکن است در نتایج پژوهش بالاخص شیوع موارد بی‌اخلاقی علمی تأثیر گذار باشد. در ثانی به دلیل محدودیت‌های فوق‌الذکر، متغیرهایی دیگری که می‌توانست درصد بیشتری از واریانس بی‌اخلاقی علمی را تبیین کند، کنار گذاشته شدند. سرانجام، در پژوهش حاضر از پرسشنامه‌های خوداظهاری برای سنجش همه متغیرها بالاخص موارد بی‌اخلاقی علمی استفاده گردید و این امکان وجود دارد که پاسخ‌های افراد به این سؤالات تحت تأثیر عوامل مختلف همچون پاسخ‌های جامعه پسند قرار داشته باشد به طوری که گاهی در موارد بی‌اخلاقی علمی اغراق کرده یا آنرا کمتر از حد واقعی گزارش کنند.

نتیجه‌گیری

پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهد که بی‌اخلاقی علمی در میان دانشجویان به یک موضوع رایج تبدیل شده است. با توجه به این نکته که آموزش دانشگاهی نقش اساسی در تکمیل روند توسعه علمی و فکری دانشجویان دارد، به طوری که در کنار رشد و توسعه علمی، می‌بایست به رشد و توسعه اخلاق نیز اهمیت ویژه‌ای داده شود. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مواد سوءرفتار علمی خفیف در مقایسه با مواد شدید، فراوانی نسبی بیشتری دارد و به نظر می‌رسد دانشجویان از موارد سوءرفتار علمی آگاهی و اطلاع کافی ندارند. ضعف نظام انگیزشی و احساس بیگانگی تحصیلی می‌تواند موجب ایجاد

می‌توان استدلال کرد که میزان پذیرش هنجارها و قوانین در میان دختران بیشتر از پسران است.

در پژوهش حاضر، رابطه منفی مستقیمی بین نگرش منفی به تقلب و بی‌اخلاقی علمی علمی مشاهده گردید، لذا منطقی است اگر استدلال شود دانشجویانی که نگرش و یا تعریف مطلوبی از بی‌اخلاقی علمی دارند در مقایسه با همتایان خود بیشتر درگیر سوءرفتارهای علمی می‌شوند. از طرف دیگر، دانشجویانی که به توان بازدارندگی اساتید خود باور داشتند، کمتر مرتکب سوء رفتارهای علمی شده اند. اگر اساتید محیطی را فراهم کنند که در آن دانشجویان باور داشته باشند که اساتید به اخلاق علمی اهمیت زیادی می‌دهند و در برابر خطاهای دانشجویان کوتاهی نمی‌کنند، دانشجویان از ارتکاب به سوءرفتارهای علمی اجتناب می‌کنند. اگر با کسانی که مرتکب رفتارهای غیرعلمی می‌شوند، برخورد مناسبی صورت نگیرد، این عمل توسط دانشجویان دیگر درونی شده و این باور جا می‌افتد که بی‌اخلاقی علمی یک هنجار است و در نتیجه منجر به موارد بیشتری از رفتارهای غیرعلمی می‌شود (27). احساس بیگانگی تحصیلی نه به صورت مستقیم بلکه از طریق ایجاد نگرش‌های مساعد به تقلب بر بی‌اخلاقی علمی تأثیر می‌گذارد. البته نتایج برخی پژوهش‌ها بر تأثیر مستقیم احساس بیگانگی تحصیلی بر سوء رفتار علمی دلالت دارند، هنگامی که دانشجو با محیط آموزشی خود بیگانه است، احتمال بیشتری دارد که مرتکب سوءرفتار علمی شود، چرا که نتوانسته‌اند انتظارات، ارزش‌ها، باورها و تجویزات محیط آموزشی را در خود درونی سازند (44). در پژوهش حاضر انگیزش تحصیلی پایین موجب افزایش احساس بیگانگی علمی شده و با تقویت فرهنگ مساعد برای تقلب بر ارتکاب به بی‌اخلاقی علمی تأثیر می‌گذارد. در ارتباط با خودکارآمدی تحصیلی نیز نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دانشجویانی که خودکارآمدی بالایی دارند، نگرش مساعدی به فرهنگ صداقت و بازدارندگی اساتید دارند و برخلاف پژوهش‌های دیگر خودکارآمدی تأثیر غیرمستقیم بر سوء رفتار علمی دارد. این پژوهش‌ها نشان می‌دهد دانشجویانی که خودکارآمدی بالایی دارند، کمتر احتمال دارد که مرتکب تقلب شوند (44 و 27). در نهایت در ارتباط با

3. Caruana A, Ramaseshan B, Ewing MT. (2000). The effect of anomie on academic dishonesty among University students. *The International Journal of Educational Management*; 14 (1): 23-30.
4. Miranda MS, Freire C. (2011). Academic dishonesty: understanding how undergraduate students think & act. Braga, Portugal: ISATT Conference in University of Minho.
5. Wideman MA. (2008). Academic dishonesty in postsecondary education: a literature review. *Transformative Dialogues, Teaching & Learning Journal*; 2 (1): 1-12.
6. Park C. (2003). In other (people's) words: plagiarism by University students-literature and lessons. *Assessment and Evaluation in Higher Education*; 28 (5): 471-488.
7. Teixeira AC, Rocha MF. (2010). Academic misconduct in Portugal: results from a large scale survey to University economics/business students. *Journal of Academic Ethics*; 8 (1): 21-41.
8. Ojaghi R. (2011). Understanding the experiences of experts about the plagiarism in Isfahan University of Medical Sciences: (A qualitative study). [MA Thesis]. Isfahan: Medicine Library and Information Science, Isfahan University of Medical Sciences.
9. Rose LL. (2008). Scientific misconduct: perceptions, beliefs, working environments, and reporting practices in the clinical research associate population. [PhD thesis]. Minnesota: Capella University.
10. Broome ME, Pryor E, Habermann B, Pulley L, Kincaid H. (2007). The scientific misconduct questionnaire-revised (SMQ-R): validation and psychometric testing. *Policies and Quality Assurance*; 12 (4): 260-280.
11. Amiri MA, Khamesan A, Ayati M. (2012). Honor codes in higher education academic: a comparative study of selected British, American and Iranian Universities. *Ethics in Science & Technology*; 4 (18): 17-29. (In Persian).
12. Whitley BE, Keith-Spiegel JP. (2002). *Academic dishonesty an educator's guide*. London: Lawrence Erlbaum Associates.

نگرش مساعد به تقلب و در نتیجه افزایش ارتکاب به بی‌اخلاقی علمی در میان دانشجویان شود. از طرف دیگر ضعف قوانین و مقررات و جدی نگرفتن بی‌اخلاقی علمی دانشجویان از سوی اساتید، نیز زمینه ساز گسترش هر چه بیشتر بد اخلاقی‌های علمی در نهاد دانشگاه می‌باشد، بنابراین در کنار اقداماتی نظیر تدوین قوانین و سیاست‌های بازدارنده، توجه به آموزش و افزایش آگاهی کنشگران اصلی درگیر تولید علم، اولویت بیشتر و عاجل تری دارد.

واژه‌نامه

1. Unethical Behaviors in Science	بی‌اخلاقی علمی
2. Scientific Dishonesty	عدم صداقت علمی
3. Plagiarism	سرقت علمی
4. Fabrication	جعل
5. Falsification	تحریف داده ها
6. Cheating	تقلب
7. Copy & Paste	برداشتن و چسباندن
8. Anomie	آنومی
9. Alienation	بیگانگی
10. Neutralization Theory	نظریه بی‌اثرسازی
11. Educational Self-efficiency	اثربخشی آموزشی
12. Educational Motivation	انگیزش تحصیلی
13. Deterrence	بازدارندگی
14. Attitude to Fraud	نگرش به تقلب
15. Culture of Scientific Integrity	فرهنگ صداقت علمی

منابع

1. Bahadori M, Izadi M, Hoseinpoufard M. (2012). Plagiarism; concepts, causes and strategies. *Iranian Journal of Military Medicine*; 14 (3): 168-177. (In Persian).
2. Eret E, Gokmenoglu T. (2010). Plagiarism in higher education: a case study with prospective academicians. *Procedia Social and Behavioral Sciences*; 30 (2): 3303-3307.

22. Shahbazi MR , Maleki M, Saketi P .(2013). Examining master student's perception of academic integrity, policies and practices, and academic dishonesty. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*; 3 (69): 149-168. (In Persian).
23. Marsden H, Catrol M, Neill JT. (2005). Who cheats at university? A self-report study of academic behaviors in a sample of Australian university student. *Australian Journal of Psychology*; 57(1):1-10.
24. McCabe DL, Feghali T, Abdallah H. (2008). Academic dishonesty in the Middle East: individual and contextual factors. *Research High Education*; 49 (5): 451-467.
25. Tanawattanacharoen S, Nimnuan C. (2009). Academic misconduct among medical students in South East Asian. *Journal of Medical Education*; 3(1): 669-702.
26. Tadesse T, Getachew K .(2010). An exploration of undergraduate students self-reported academic dishonesty at Addis Ababa and Jimma. *Ethiopian Journal of Education and Sciences*; 5(2): 80-99.
27. Jurdi R, Hage HS, Chow HPH. (2011). Academic dishonesty in the Canadian classroom: behaviors of a sample of University students. *Canadian Journal of Higher Education*; 41 (3):1-35.
28. Fealy S, Bighlari N, Pezeshki Rad G. (2011). Agricultural students' attitude and behavior on plagiarism in Tarbiat Modares University. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*; 3 (65): 133-151. (In Persian).
29. Ferrell CM, Ferguson WF. (1993). Assessing graduate education students' propensity toward academic misconduct. USA: the Annual Meeting of the American Educational Research Association.
30. Nga JKH , Lum EWS. (2013). an investigation into unethical behavior intentions among undergraduate students: a Malaysian study. *Journal of Academic Ethics*; 11 (1): 45-71.
31. Riggs M, Warka J, Babasa B, Betancourt R, Hooker S. (1994). Development and validation of self-efficacy and outcome expectancy scales for job related application. *Educational and Psychological Measurement*; 54 (3): 793-802.
13. Alikhah F, Boulaghi M, Yaghouti H. (2013). Fraud in exam: looking from within: a study at the University of Gilan. *Culture Strategy*; 27: 188-161. (In Persian).
14. Arnett Jensen A, Jensen Arnett J, Feldman S, Cauffman E. (2002). It's wrong, but everybody does it: academic dishonesty among high school and college students. *Contemporary Educational Psychology*; 27(2): 209-228.
15. Anderson MS, Shaw MA, Steneck NH, Konkle E, Kamata T. (2013). Research integrity and misconduct in the academic profession. In: Paulsen MB (ed.). *Higher education: handbook of theory and research*. Germany: Springer Publication.
16. Lee J. (2011). The past, present, and future of scientific misconduct research: what has been done? what needs to be done? *The Journal of the Professoriate*; (6)1:67-83.
17. Ghazi-Tabatabaei M, Vedadhir AA. (2001). Normative and ethical orientation in academic researches: a comparative study on graduate students of Iranian universities. *Journal of Faculty of Letters and Humanities (Tabriz)*; 14 (180-182): 187-226. (In Persian).
18. Zamani BE, Amin-Azimi S, Soleimani N. (2010). Differences in students' viewpoints about effective factors on plagiarism according to their gender and academic disciplines. *Ethics in Science & Technology*; 3 (21): 24-34. (In Persian).
19. Zamani BE, Amin-Azimi S, Soleymani N. (2013). Identifying and prioritizing the effective factors affecting the students' plagiarism in Isfahan University print. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*; 1 (67): 91-110.
20. Rostami F, Zarafshani K, Saadvandi M, Hosseini Lorghani M. (2013). Explaining factors influencing pugilism in higher education: a case of agricultural college at Razi University. *Higher Education Journal*; 3 (19):143-163. (In Persian).
21. Aliverdini A, Salehnezhad S. (2013). A study of influential factors on students' participant in cheating behavior. *Ethics in Science & Technology*; 1 (23): 85-93. (In Persian).

39. Stone TH, Jawahar IM, Kisamore JL. (2010). Predicting academic misconduct intentions and behavior using the theory of planned behavior and personality. *Basic and Applied Social Psychology*; 32 (1): 35-45.
40. Christensen-Hughes J, McCabe D. (2006). Understanding academic misconduct. *Canadian Journal of Higher Education*; 36 (6): 49-63.
41. Michaels JW, Miethe TD. (1989). Applying theories of deviance to academic cheating. *Social Science Quarterly*; 70(4): 870-885.
42. Davis SF, Grover CA, Becker AH, Gregor LN. (1992). Academic dishonesty: prevalence, determinants, techniques, and punishments. *Teaching of Psychology*; 19 (1): 307-318.
43. Kisamore JL, Stone TH, Jawahar IM (2007). Academic integrity: the relationship between individual and situational factors on misconduct contemplations. *Journal of Business, Ethic*; 75 (4): 381-394.
44. Murdock TB, Hale NM, Weber MJ. (2001). Predictors of cheating among early adolescents: Academic and social motivations. *Contemporary Educational Psychology*; 26, 96-115.
32. Ghaffari M. (2015). Home and school factors that contribute to the educational resilience (case study: Mobarakeh high school students). [MA Thesis]. Iran: Isfahan University. (In Persian).
33. Bohrani M. (2005). Study of Fars secondary students to motivation and related factors. *Shiraz University Journal of Humanities and Social Sciences*; 4: 25-1. (In Persian).
34. Mousavi SK, Heidarpour Marand S. (2011). A sociological investigation of academic alienation: a case study of students at Shahed University in academic year 2008-2009. *Journal of Social Sciences*; 56: 13-35. (In Persian).
35. Burbach HJ. (1972). The development of a contextual measure of alienation. *The Pacific Sociological Review*; 15 (2): 225-34.
36. Mau RY. (1992). The validity and devolution of a concept: student alienation. *Adolescence*; 27 (107): 731-741.
37. Long S. (1997). Dimensions of student academic alienation. *Educational Administration Quarterly*; 13 (16): 16-30.
38. Ma Y, McCabe DL, Liu R. (2013). Students' academic cheating in Chinese Universities: prevalence, influencing factors, and proposed action. *Journal Of Academic Ethics*; 11 (3): 169-184.